

## ثبات زناشویی زنان شاغل: نقش پیش‌بین راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر

مژگان ارجمندی<sup>۱</sup>، آرش جلالی دوقزلو<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی استهبان

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور پیش‌بینی ثبات زناشویی بر اساس راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر در زنان شاغل شهر اهواز انجام شد. نمونه آماری شامل ۱۸۵ نفر از زنان شاغل در شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ثبات زناشویی ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷)، شاخص راهبرد حفظ رابطه‌ای استافورد و کانری (۱۹۹۱)، مقیاس دیدگاه فهمی همسر ODPT بود. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. در تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام و هم‌زمان استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که راهبردهای حفظ رابطه و دیدگاه فهمی خود و همسر رابطه معناداری با ثبات زناشویی دارند. طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش گام‌به‌گام، از میان متغیرهای پیش‌بین، کارکرد تعهدات (حفظ رابطه)، کارکرد وظایف (حفظ رابطه)، کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) و کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) بهترین پیش‌بینی کننده‌ی ثبات زناشویی زنان شاغل هستند. سطح معناداری در این پژوهش  $\alpha=0/05$  بود.

**کلیدواژه‌ها:** ثبات زناشویی، راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر.

## مقدمه

در گذشته‌ای نه چندان دور زندگی‌ها شکل ساده تری داشت و خانواده‌ها انسجام و گرمی بیشتری داشتند افراد خانواده به هم نزدیکتر بودند و به همین خاطر بچه‌ها به علت نزدیکی پدر و مادر راه و رسم و آداب و رسوم زندگی را می‌آموختند و حتی با شغل و حرفه‌ی پدر آشنا می‌شدند، بویژه پسرها که اغلب حرفه‌ی پدر را دنبال می‌کردند و دخترها نیز سرنوشتی شبیه مادرهایشان داشتند و هر زمان که بزرگترها تشخیص می‌دادند از بین خویشان و دوستان و آشنایان برای او همسری در نظر می‌گرفتند و گاه بدون اینکه از طرفین ماجرا نیز چیزی بپرسند آن‌ها را به عقد هم درمی‌آوردند و بدین ترتیب یک زندگی سنتی آغاز می‌شد که ممکن بود به خوشبختی بیانجامد یا نه. با گذشت زمان و متحول شدن دنیا و پیشرفت علوم و فنون به ویژه دانش‌های مربوط به ارتباطات که در دهه‌ی آخر قرن بیستم سرعت عجیبی به خود گرفت؛ گسترش دانشگاه‌ها و استقبال جوانان در کشورهای در حال توسعه از علوم دانشگاهی و ورود به دانشگاه‌ها و پانهادن زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند به عرصه‌های اجتماعی و دانش‌های روز، ازدواج‌ها پس از آشنایی در محیط کار یا تحصیل صورت می‌گیرد و در اغلب موارد پس از آن که دختر و پسر مدتی باهم بوده و تصمیم به ازدواج می‌گیرند، خانواده‌های خود را مطلع می‌نمایند. تمام کسانی که قصد ازدواج داشته یا ازدواج کرده‌اند علاقه‌مندند همسری مناسب انتخاب کرده و تا آخر عمر با وی زندگی کنند. آن‌ها علاقه‌مندند تا خانواده‌ای سالم و سعادت‌مند تشکیل دهند و فرزندان صالح و شایسته بپروراند. داشتن توافق و تفاهم با همسر، رضایتمندی از زندگی و داشتن زندگی استوار از خواسته‌های آن‌ها می‌باشد. در یک کلام آنان می‌خواهند باهم کامل شوند و لازم و ملزوم و متمم و مکمل یکدیگر باشند اما واقعیت امر این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر بروز اختلال‌های متعددی می‌باشد (اولیا، فاتحی زاده و بهرامی، ۱۳۸۸). ازدواج منشأ ایجاد چرخه‌ی زندگی خانوادگی است (وارینگ ۲۰۱۳) و روابط زناشویی سالم و ماندگار، حاکی از نظامی جهت‌مند و نظامی از باورهای به اشتراک گذاشته شده است (کانگ، ۲۰۰۹). ازدواج یک پیمان مقدس است که تقریباً در میان تمام اقوام و ملل و تمام زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است، بطوری که بیشتر ادیان بر این سنت دیرینه و نیاز زن و مرد تأکید داشته‌اند و تمامی زوجین خواهان ثباتی در ازدواج خود می‌باشند؛ ثبات ازدواج، فقدان مشکلات زناشویی نیست، بلکه حضور شور و شوق، صمیمیت و تعهد است که ازدواج را سالم و بی‌عیب حفظ می‌کند تا اینکه علل طبیعی مانند مرگ یکی از همسران موجب فروپاشی آن شود. تعریف ثبات زناشویی سه جزء اساسی "شور و شوق"، "صمیمیت" و "تصمیم برای تعهد" را شامل می‌شود (لارسون و هولمن، ۱۹۹۴، به نقل از نورانی پور، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶). زندگی زناشویی باید به منزله‌ی رابطه‌ی رضایت‌بخشی برای همسران باشد که بتوانند نیازهای عاطفی و روانی خود را تأمین کرده و هریک از زوجین بتوانند علاوه بر داشتن امنیت روانی، نیازهای جنسی خود را نیز در یک فضای صمیمانه برآورده سازند (روزن، میر و هاتی، ۲۰۰۴، به نقل از نورانی پور و همکاران، ۱۳۸۶). گاتمن معتقد است در ازدواج‌های باثبات زن و شوهر پیوسته همدیگر را تمجید می‌کنند، لحن مثبت آن‌ها در صحبت‌هایشان با یکدیگر و در مورد یکدیگر، زندگی مشترکشان را پیش می‌برد، طرفین یکدیگر را دوست خود می‌دانند و در هنگام استرس و بروز مشکلات از یکدیگر حمایت می‌کنند، هیچ‌یک از طرفین اصراری بر قبضه‌ی قدرت ندارند و در این مورد معتقد به وجود تساوی هستند و همچنین زن و شوهرها در ازدواج‌های موفق باهم مشکلات را حل می‌کنند و در هنگام بروز اختلاف، هیجان‌هایشان را کنترل و مصالحه می‌کنند (سانتراک، ترجمه‌ی فیروزبخت، ۱۳۸۴). از طرفی یکی از عوامل تأثیرگذار بر ثبات و رضایت زناشویی متغیر راهبردهای حفظ رابطه می‌باشد. رفتارهای حفظ رابطه، به انواع رفتارهایی گفته می‌شود که توسط شریک‌های رابطه‌ای به منظور حفظ آن رابطه انجام می‌شوند (دیندیا و کنری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). پژوهشگران، حفظ رابطه را به چهار شیوه تعریف کرده‌اند: (۱) جلوگیری از اتمام رابطه، یعنی، رابطه بدون اینکه به پایان برسد ادامه می‌یابد. (۲) حفظ رابطه در شرایطی خاص، یعنی، حفظ سطح کنونی ابعاد یا ویژگی‌هایی که گمان می‌رود در رشد رابطه نقش داشته باشند (۳) حفظ رابطه در شرایط رضایت بخش، یعنی، حفظ رضایت در رابطه (۴) ترمیم رابطه، یعنی، حفظ رابطه در شرایط خوب، مناسب یا فعال و ترمیم رابطه‌ای که آسیب دیده است. (دیندیا و بکستر، ۱۹۸۷، به نقل از ژیا، ۲۰۱۳). یکی دیگر از

<sup>۱</sup>.Dindia, K., & Canary

عوامل مرتبط با ثبات زناشویی، دیدگاه فهمی زوجین می باشد. به طور کلی دیدگاه فهمی این گونه تعریف شده است: گرایش ذهنی افراد برای اینکه خود را جای دیگری بگذارند (دایموند، ۱۹۴۹؛ فوت و کوتزل، ۱۹۵۵؛ به نقل از لانگ، ۱۹۹۰). بدون فهم نقطه نظرات دیگران، فرد ممکن است تعاملاتی داشته باشد که توسط شریکش به صورت نامناسبی ادراک شود. برعکس افرادی که توانایی فهم دیدگاه دیگران را دارند ممکن است دیدگاه مثبت تری داشته باشند و می توانند نیازها، علایق و آرزوهای دیگری را بهتر برآورده سازد (لانگ، ۱۹۹۰). شهربانو نقدی بابایی، شهربانو قهاری (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی روی صمیمیت و رضایت زناشویی در میان زنان متأهل به این نتیجه دست یافتند که آموزش مهارت های ارتباطی روی افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی تاثیر دارد. مومنی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی که با هدف بررسی نقش الگوهای فراغتی در ثبات ازدواج با واسطه گیری راهبردهای حفظ رابطه و شادکامی زناشویی انجام دادند، نتیجه گرفتند که الگوهای هسته ای و فراغتی با راهبردهای حفظ رابطه؛ و راهبردهای حفظ رابطه با شادکامی زناشویی و متغیر اخیر با ثبات ازدواج رابطه دارند. روابط رمانتیک و روابط جنسی پیش از ازدواج می توانند پیش بین کننده های منفی کیفیت زناشویی باشند (کلی و کانلی، ۱۹۸۷؛ به نقل از کرایبی، ۱۳۸۷). همچنین استتس (۱۹۹۳) معتقد است نزدیکی و روابط جنسی پیش از ازدواج با شخصی غیر از همسر فعلی به طور منفی با رضایت و ثبات زناشویی رابطه دارد. کیفیت زناشویی در ازدواج های اول بالاتر از ازدواج های بعدی است (گلن، ۱۹۹۰؛ به نقل از کرایبی، ۱۳۸۷). یافته ها از تاثیر این عوامل بر کیفیت زناشویی نشان می دهد که از هم پاشیدن روابط می تواند به صورت یک حالت ممکن برای فرد درآید و همچنین مشکلات روابط ممکن است در رابطه فعلی همچنان حل نشده باقی بماند (استتس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). گاتمن، کوآن<sup>۲</sup>، کارر<sup>۳</sup> و سووانسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۸؛ به نقل از کرایبی، ۱۳۸۷) فرایند تعاملات زناشویی را مورد بررسی قرار دادند تا به پیش بینی شادی و ثبات زناشویی بپردازند. مسئله اصلی در الگوهای نامناسب حل تعارضات یافت شد. در ازدواج های شاد و باثبات، عواطف مثبت در تعارضات، منفی بافی را تعدیل می کند. کارنی و برادبوری نشان دادند که نمرات کلی منفی بافی با رضایت زناشویی همبستگی دارد و منفی بافی شوهر با رضایت زناشویی پایین همسر همراه است. همچنین با یافته های (لانگ و اندروز، ۱۹۹۰) که نشان می دهد دیدگاه فهمی موجب افزایش سازگاری زناشویی می شود، همسو می باشد (جنسن، ۲۰۱۰). همچنین معلوم شد دیدگاه فهمی بیشتر شوهر با رضایت از رابطه ی همسران، ارتباط زیادی دارد. (جنسن، ۲۰۱۰) در این مدل نشان می دهد که دیدگاه فهمی زوج ها بر روند سازگاری و همچنین کیفیت زناشویی آن ها اثر مثبت دارد. کارنی و گوئر (۲۰۱۰)، رابطه پیچیدگی های شناختی و تعاملات زناشویی را بررسی کردند آن ها معتقدند، زوج هایی که پیچیدگی های شناختی کمتری را نشان می دهند، فشار بیشتری برای حل موثر مشکلات زناشویی نسبت به زوج هایی که دارای پیچیدگی های شناختی بیشتری هستند، احساس می کنند. به عبارت دیگر، زوج هایی که دارای ادراکات و باورهای محدودتری هستند، احتمالاً برای حل موثر مشکلات زناشویی خود با مشکلات بیشتری روبرو هستند (کارنی و گوئر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). بیکر، مک نالتی، اورال، لمبرت و فینچام<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) نشان دادند که بین رفتارهای حفظ رابطه و کیفیت زناشویی همبستگی مثبتی وجود دارد. اوگولسکی و باورز<sup>۷</sup> (۲۰۱۲) نشان دادند که بین رفتارهای حفظ رابطه و رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. فینک و شاپیرو<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی که با عنوان نقش واسطه ای مهارت های مقابله ای در رابطه بین بی ثباتی زناشویی و افسردگی انجام دادند هدف از این پژوهش درک بهتر فرایندهای بالقوه پیچیده ای بود که طی آن ها تاثیر اختلاف زناشویی (به صورت مستقیم و غیرمستقیم) در ایجاد علائم افسردگی و محدودیت در عملکرد زناشویی بررسی شد. استفورد (۲۰۱۳) نشان داد که بین حفظ رابطه و رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. وایزر و وایگل (۲۰۱۵)

<sup>۱</sup>. Stets<sup>۲</sup>. Coan<sup>۳</sup>. Carrere<sup>۴</sup>. Swanson<sup>۵</sup>. Karney and Gauer<sup>۶</sup>. Baker, McNulty, Overall, Lambert, & Fincham<sup>۷</sup>. Ogolsky & Bowers<sup>۸</sup>. Fink & Shapiro Ogolsky & Bowers

دریافتند که خودکارآمدی در روابط رمانتیک با رضایت از رابطه همبستگی مثبت و معناداری دارد و رفتارهای حفظ رابطه نیز در این ارتباط میانجی گری می‌کنند. قزلسفلو، جزایری، بهرامی و محمدی فشارکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نشان دادند که بین رفتارهای حفظ و تداوم رابطه و تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. آسانو، ایتو و یوشیدو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) دریافتند که کارآمدی رابطه‌ی بین شریک‌ها باعث افزایش رضایت از زندگی در روابط نزدیک می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین راهبردهای حفظ رابطه و دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل شهر اهواز رابطه‌ی معنی داری وجود دارد؟

### روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش به بررسی ثبات زناشویی زنان شاغل، نقش پیش‌بین راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر پرداخته می‌شود.

### ابزار سنجش

در این پژوهش از چهار پرسشنامه استاندارد شده استفاده شد.

**۱- پرسشنامه ثبات زناشویی:** شاخص عدم ثبات زناشویی (MII) توسط ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷) ساخته شده است. شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن تدوین شده است. این ابزار متکی بر این نظر است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق زن و شوهر باید هم شناخت و هم رفتار به حساب آورده شود. این مقیاس را مصاحبه‌گر می‌تواند به سهولت اجرا نموده و ظرف چند دقیقه نمره گذاری کند. شاخص بی‌ثباتی ازدواج به عنوان یک ابزار خوش‌آئینه مشاوره می‌تواند به مشاور کمک کند تا او بتواند با دقت بیشتری نتایج قابل پیش‌بینی رابطه زناشویی را تعیین کند. این مقیاس در دو قسمت آورده شده است. قسمت اول در کنار سنجش چند عامل دیگر ریسک ازدواج که در قسمت دوم آمده، می‌تواند دقت پیش‌بینی مشاور را افزایش دهد.

**پایایی و روایی:** شاخص بی‌ثباتی ازدواج اولین بار ۱۹۸۰ در مورد ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و با ۱۵۷۸ (۷۸٪) از این نمونه در سال ۱۹۸۳ بکار گرفته شد. عملاً هیچ هنجار و یا اطلاعات جمعیت‌نگاری دیگری گزارش نشده است. این آزمون در ایران توسط یاری پور (۱۹۷۹) روی ۵۰ زوج متقاضی طلاق در محاکم دادگستری استان قم که به مرکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند (به عنوان گروه آزمایشی) و ۵۰ زوج غیر ارجاعی بر اساس احتمال طلاق بالا (به عنوان گروه کنترل) اجرا شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری در دسترس بود. جامعه آماری را زوجین متقاضی طلاق ساکن قم (۴۰۰ نفر) با حد اقل سه سال زندگی مشترک تشکیل می‌داد.

**اعتبار:** شاخص بی‌ثباتی ازدواج با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. هیچ اطلاعاتی درباره ثبات آن گزارش نشده است. در پژوهش یاری پور (۱۳۷۹) برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار از روش دو نیمه کردن استفاده شد که برای تعیین هماهنگی درونی آزمون به کار می‌رود. از ضریب همبستگی بین دو نیمه برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای این آزمون در پژوهش یاری پور ۰/۹۵ به دست آمد که نشانه اعتبار قابل قبول است. توضیح اینکه پژوهش مذکور بر روی زوج‌هایی به عمل آمد که از دادگاه قم به مراکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند.

**روایی:** شاخص بی‌ثباتی ازدواج از روایی پیش‌بینی بسیار خوبی برخوردار است از گروه نمونه‌ای که در ۱۹۸۰ هیچ نشانه‌ای از بی‌ثباتی روانی نشان نداده بودند فقط ۳٪ در سال ۱۹۸۳ به ازدواج خود پایان دائمی دادند، در حالی که ازدواج اشخاصی که نمره آنها در نهایت مقابل آن بود ۲۷٪ یعنی نه برابر گروه اول از هم پاشید. تحقیقات بعدی نشان داد که این شاخص از روایی سازه‌های خوبی برخوردار است و با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی منفی دارد.

<sup>۱</sup>.Ghezselflo, Jazayeri, Bahrami, & Mohammadi Fesharaki

<sup>۲</sup>.Asano, Ito, & Yoshida

در پژوهش یاری پور (۱۳۷۹) برای ارزیابی محتوای آزمون شاخص بی ثباتی ازدواج از نظرات چندین تن از اساتید متخصص استفاده شد که جملگی بر روایی سؤالات آزمون صحه گذاشتند. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمده است.

**۲- شاخص راهبرد حفظ رابطه‌ای:** این ابزار به منظور سنجش کمی راهبردهای حفظ رابطه اولین بار توسط استفورد و کانری ۱۹۹۱ (۲)، ساخته شد و بعد کانری و استفورد (۱۹۹۲)، آن را اصلاح کردند. نسخه اصلی این پرسشنامه از ۶۳ گویه تشکیل شده بود که فعالیت های محافظت کننده از رابطه را که افراد انجام می دادند اندازه می گرفت. مثبت گرایی، باز و راحت بودن، اطمینان و دلگرمی، شبکه های اجتماعی و تقسیم وظایف، پنج راهبرد حفظ رابطه بود که این ابزار اندازه می گرفت. در نسخه تصحیح شدن آن، دو راهبرد نصیحت کردن و مدیریت تعارض اضافه شد و جمع گویه ها به ۹۵ رسید. روایی صوری، روایی پیش‌بین و روایی سازه در مطالعات مختلف به تایید محققان رسیده است (کانری، استفورد و سمیک، ۲۰۰۲). این پژوهش گران میانگین ضریب پایایی در ۱۲ مطالعه انجام شده را این گونه گزارش نمودند: مثبت گرایی، ۰/۸۴؛ اطمینان و دلگرمی، ۰/۸۱؛ باز و گشودگی، ۰/۸۳؛ شبکه اجتماعی، ۰/۸۳؛ تقسیم وظایف، ۰/۸۱؛ نصیحت کردن، ۰/۷۰؛ و مدیریت تعارض، ۰/۸۱. شاخص مورد نظر در این پژوهش شامل ۲۴ ماده و ۵ عامل مثبت بودن (ماده‌های ۲، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰ و ۲۴)، گشودگی (ماده‌های ۱، ۳، ۶، ۱۸، ۲۱ و ۲۳)، تعهدها (ماده‌های ۱۰، ۱۷، ۱۹ و ۲۲)، شبکه (ماده‌های ۵ و ۸) و وظایف (ماده‌های ۴ و ۱۲) می باشد. نمره‌های این شاخص براساس یک طیف لیکرت ۷ نمره‌ای (۱ = شدیداً مخالفم تا ۷ = شدیداً موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. کنری و استفورد (۱۹۹۲) ضرایب پایایی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرونباخ در عامل‌های پنج‌گانه‌ی بالا از ۰/۷۱ تا ۰/۸۹ گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و ضریب روایی همگرا آن با شاخص کارآمدی در رابطه (فینچام، هرولد و گانو-فیلیپس، ۲۰۱۳) محاسبه خواهد شد. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بدست آمده است.

**۳- مقیاس دیدگاه - فهمی خود (SDPT):** مقیاس دیدگاه فهمی-خود (لانگ، ۱۹۹۰، به نقل از خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۲)، یک ابزار ۱۳ ماده ای است که میزان دیدگاه فهمی فرد را در روابط خود با همسرش در یک طیف لیکرت ۵ رتبه ای از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۴) می سنجد. نمره بالاتر در این مقیاس نشان دهنده دیدگاه-فهمی فرد در روابط با همسرش است. این مقیاس دارای دو خرده مقیاس شناخت و راهبرد است. لانگ (۱۹۹۰) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۹؛ خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۲) ۰/۹۵، روشن روان و عباسپور (۱۳۹۵) ۰/۸۹ و خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۲) ضریب روایی همگرای آن را با پرسشنامه ی رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) 93/0 (01/0>P)؛ و خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۵) ضریب روایی همگرا این مقیاس ها با مقیاس همدلی باتسون (BEAS) 49/0 (01/0>P) گزارش دادند.

**۴- مقیاس دیدگاه فهمی همسر (ODPT):** مقیاس دیدگاه فهمی همسر توسط لانگ (۱۹۹۰) جهت درک دیدگاه دیگران تهیه شده و یک ابزار ۲۰ سؤالی است که ادراک افراد را از دیدگاه فهمی همسرشان با به کارگیری عباراتی مانند (همسر من تنها به حرف‌های من گوش می‌دهد بلکه حقیقتاً با در نظر گرفتن موقعیت من آنها را درک می کند) و (همسر من سعی می کند از طریق تصور کردن مسائل از دیدگاه من، مرا بهتر درک کند) می سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را با این عبارات در دامنه ای از ۰ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) بیان می کند. نمره ی بیشتر در این مقیاس نشان دهنده ی دیدگاه فهمی بیشتر همسر می باشد (به نقل از سبحانی جو، ۱۳۹۰). لانگ در سال (۱۹۹۰)، اعتبار و پایایی این مقیاس را در سه مطالعه مورد بررسی قرار داد. در اولین مطالعه که بر روی ۸۸ نفر دانشجو انجام شد که آلفای کرونباخ برای مقیاس دیدگاه فهمی همسر ۰/۹۴ بود. ۱۲ هفته بعد این مقیاس را روی یک نمونه ۱۸۹ نفری که درگیر روابط عاشقانه بودند اجرا کرد و نتایج مشابه مطالعه اول بود. در مطالعه‌ی سوم که بر روی ۱۵۹ زوج انجام شد، دیدگاه فهمی همسر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کرد. ضریب همبستگی بین ماده های این مقیاس با نمره کل آن را در دامنه ای بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. همچنین همبستگی آن با پرسشنامه همدلی هوگان (۱۹۶۹؛ به نقل از سبحانی جو، ۱۳۹۰) مثبت و معنی دار گزارش شده است. سبحانی جو (۱۳۹۰) در پژوهش خود بر روی نمونه ای از معلمان متأهل شهر اهواز پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش نمود. همچنین روایی سازه این مقیاس را از طریق همبسته کردن آن با پرسشنامه رضایت زناشویی

انریج، در سطح  $P < 0/01$ ،  $0/86$  برآورد نمود. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ  $0/88$  بدست آمده است.

### روش اجرای پژوهش

ابتدا با معرفی نامه معاونت تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی، به اداره کل برنامه و بودجه استان خوزستان مراجعه نموده و از میان ادارات مختلف شهرستان اهواز به صورت تصادفی هشت اداره انتخاب شد و سپس لیست کارکنان زن شاغل این ادارات استخراج گردید. سپس از میان مجموع زنان شاغل در این ادارات تعداد ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و پرسشنامه های مذکور بی به همراه دستورالعمل تکمیل آن ها در اختیار این زنان قرار گرفته شد. پس از یک هفته نیز پژوهشگر اقدام به جمع آوری آن ها نمود.

### یافته ها

فرضیه ۱: بین کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین کارکرد گشودگی (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: بین کارکرد تعهدات (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: بین کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۵: بین کارکرد وظایف (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۶: بین دیدگاه فهمی خود با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۷: بین دیدگاه فهمی همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با متغیر ملاک (ثبات زناشویی)

ثبات زناشویی		متغیر ملاک
P	r	متغیر پیش‌بین
۰/۰۰۱	۰/۴۵	کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه)
۰/۰۰۱	۰/۳۰۷	کارکرد گشودگی (حفظ رابطه)
۰/۰۲	۰/۵۹	کارکرد تعهدات (حفظ رابطه)
۰/۳۱	۰/۴۶۶	کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه)
۰/۳۶	۰/۵۲۳	کارکرد وظایف (حفظ رابطه)
۰/۰۶	۰/۳۶	دیدگاه فهمی خود
۰/۰۰۷	۰/۲۶۹	دیدگاه فهمی همسر

مندرجات جدول (۱) نشان می دهد که ضریب همبستگی بین کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0/45$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۱ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد گشودگی (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0/307$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۲ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین مؤلفه اهداف شخصی (کارکرد خانواده) با ثبات زناشویی برابر  $0/59$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۳ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0/466$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۴ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد وظایف (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0/533$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۵ پژوهش تایید می شود.

مندرجات جدول (۱) نشان می دهد که ، ضریب همبستگی بین دیدگاه فهمی خود با ثبات زناشویی برابر  $0/36$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۶، پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین دیدگاه فهمی همسر با ثبات زناشویی برابر  $0/269$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۷ پژوهش تایید می شود.

فرضیه ۸- بین مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه ی چندگانه وجود دارد.

جدول 2: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل به روش ورود همزمان (Enter)

مدل	SS	df	MS	F	P	MR	R <sup>2</sup>
رگرسیون	۱۱۵۷۱/۸۶	۷	۱۶۵۳/۱۲	۵۳/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۷۸۵	۰/۶۱۶
باقیمانده	۷۲۰۵/۲۲	۱۸۶	۳۸/۷۳				

جدول 3: خلاصه ی مدل رگرسیون و مشخصه های آماری رگرسیون به روش همزمان

متغیرها	B	Beta	t	P
X1- کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه)	۰/۱۹۱	۰/۲۱۱	۳/۸۶	۰/۰۰۱
X2- کارکرد گشودگی (حفظ رابطه)	۰/۰۹۵	۰/۰۵۵	۱/۰۷	۰/۲۸
X3- کارکرد تعهدات (حفظ)	۰/۸۲۷	۰/۳۴۳	۶/۷	۰/۰۰۱

				رابطه)
۰/۰۰۱	۴/۰۵	۰/۲۰۲	۰/۸۶۴	X4- کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه)
۰/۰۰۱	۶/۱۵	۰/۳۰۵	۱/۲۵	X5- کارکرد وظایف (حفظ رابطه)
۰/۰۷۴	۱/۷۹	۰/۰۸۹	۰/۱۲۹	X6- دیدگاه فهمی خود
۰/۳۴۷	۰/۹۴	۰/۰۴۹	۰/۰۴۹	X7- دیدگاه فهمی همسر
-	-	-	۱/۶۸	مقدار ثابت

مطابق اطلاعات مندرج در جدول (3) ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل برابر با  $MR=0.785$  است که در سطح  $p=0.001$  معنی دار است. بنابراین تقریباً ۶۲٪ واریانس مربوط به ثبات زناشویی زنان شاغل به وسیله ی متغیرهای پیش‌بین تبیین می شود. ضریب بتا مربوط به هر کدام از متغیرهای پیش‌بین و معنی داری آنها نیز قابل مشاهده است.

### بحث ونتیجه گیری

فرضیه ۱: بین کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.  
 فرضیه ۲: بین کارکرد گشودگی (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.  
 فرضیه ۳: بین کارکرد تعهدات (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.  
 فرضیه ۴: بین کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.  
 فرضیه ۵: بین کارکرد وظایف (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.  
 با توجه به مندرجات جدول (۱) می توان گفت که ضریب همبستگی بین کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0.45$  ( $p < 0.05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ی ۱ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد گشودگی (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0.307$  ( $p < 0.05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ی ۲ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین مؤلفه اهداف شخصی (کارکرد خانواده) با ثبات زناشویی برابر  $0.59$  ( $p < 0.05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ی ۳ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0.466$  ( $p < 0.05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۴ پژوهش تایید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین کارکرد وظایف (حفظ رابطه) با ثبات زناشویی برابر  $0.533$  ( $p < 0.05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۵ پژوهش تایید می شود.  
 ثبات ازدواج مفهوم گسترده ای است که به زوج هایی اشاره دارد که نه طلاق گرفته و نه به دنبال جدایی از یکدیگر هستند (اوراتینکال و ونستینوگ، ۲۰۰۶؛ و لنتال، ۱۹۷۷). ثبات ازدواج مفهومی عینی و قابل مشاهده است که با رضایتمندی و شادکامی زناشویی متفاوت است. درحالی که ثبات ازدواج ویژگی زوجی است، رضایتمندی یک ویژگی فردی است و به شیوه



ای که افراد ازدواجشان را ارزشیابی می کنند اشاره دارد (کالمین، ۱۹۹۹؛ لنتال، ۱۹۷۷). در واقع ثبات ازدواج مواردی را در بر می گیرد که بیشتر از شادی، قدرت و دوام رابطه را موجب شوند (لنتال، ۱۹۷۷). در فعالیت های تعادلی فراغت که نیازمند صرف وقت، انرژی و هزینه بیشتری هستند، افراد نقش های متفاوت و نیز موقعیت های بی ثباتی را تجربه خواهند کرد (زیبریسکی و مک کرمیک، ۲۰۰۱). این وضعیت جدید باعث می شود زوج ها نزدیکی، پذیرش و دلگرمی بیشتری به یکدیگر نشان دهند (اطمینان و دلگرمی). و از طرف دیگر نیاز همسران را برای تفاهم و مدیریت تعارضات بیشتر می کند. بنابراین این الگو از فعالیت های فراغتی، زوج ها را به سمت تفاهم، حل مسأله و مذاکره بر سر موارد اختلافی سوق می دهد (مدیریت تعارض ها). همچنین در تبیین روابط مثبت گرای و گشودگی با الگوهای تعادلی فراغت می توان گفت که روح حاکم بر این الگوها، مواجهه با پدیده های تازه و کسب تجارب بدیع است که می تواند شادی و سرزندگی را به همسران بازگرداند. استمرار در کسب چنین تجربیات جدید و تازه ای، به همسران کمک می کند تا به تدریجی سازگاری و مقابله با موارد پیش بینی نشده در زندگی مشترک را کسب کنند (گشودگی). از طرفی انجام تفریحات و سرگرمی های مربوط به الگوی فراغتی، کسالت و روزمرگی را از زندگی مشترک زوج می زداید و امید و سرزندگی را در آن جاری م یسازد (مثبت گرایی).

بخشی دیگر از نتایج تحلیل داده ها بیانگر اثر مثبت و مستقیم راهبردهای حفظ رابطه بر ثبات زناشویی بود که همسو با نتایج مطالعات (لورنز، ۲۰۰۸؛ بالارد-ریچ و ویگل و زاگیودولین، ۱۹۹۹؛ نف و کارنی، ۲۰۰۳) است. همسرانی که به یکدیگر تعهد و اطمینان دارند؛ درک یکدیگر و گفتگو را محور زندگی خویش قرار داده اند؛ به آینده امیدوارند و برای رسیدن به اهداف خود مشترکاً تلاش می کنند ارتباطی باکیفیت تر را تجربه خواهند کرد که به اینکه از ، شادکامی در ازدواج آنها خواهد انجامید (پاروت و پاروت، ۱۳۹۲؛ استنلی، ۲۰۰۳). در واقع همسران بیش از هر چیز به پذیرش، تعهد، اعتماد و اطمینان و در نهایت محبت یکدیگر نیازمندند. صاحب نظران در مشاوره ازدواج بر این باورند که مهم ترین ویژگی که مانع شکست ازدواج و در نتیجه ثبات آن می شود، شادی و نشاط است (پاروت و پاروت، ۱۳۹۲). زوج هایی که راهبردهای مثبت حفظ رابطه را به خوبی به کار نمی گیرند در ارتباطی مخرب و ویرانگر درگیر می شوند که الگوهای غالب آن نکوهش، سرزنش، تحقیر، کناره گیری خواهد بود که این امر احتمال شکست ازدواج را بالا خواهد برد (استنلی، ۲۰۰۳؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ فینچام و بیچ، ۱۹۹۹).

فرضیه ۶: بین دیدگاه فهمی خود با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

فرضیه ۷: بین دیدگاه فهمی همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه وجود دارد.

همچنین با توجه به مندرجات جدول (۱) می توان گفت که، ضریب همبستگی بین دیدگاه فهمی خود با ثبات زناشویی برابر  $0/36$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۶، پژوهش تأیید می شود. همچنین، ضریب همبستگی بین دیدگاه فهمی همسر با ثبات زناشویی برابر  $0/269$  ( $p < 0/05$ ) می باشد. بنابراین، فرضیه ۷ پژوهش تأیید می شود. بنابراین این نتایج با نتایج پژوهش های جنسن (۲۰۱۰)؛ داکوف و تایلر (۱۹۹۰)؛ دیویس و اتوت (۱۹۸۷)؛ دیویس و اتوت (۱۳۹۲)؛ ریزکالا، ورتیم و هاگسان (۲۰۰۸)؛ لانگ و اندروز (۱۹۹۰)؛ هچ (۲۰۰۹)؛ کلاس و همکاران (۲۰۱۷)؛ نلسون و همکاران (۲۰۱۷) و خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. باید گفت که افرادی که توانایی تشخیص و فهم هیجان ها و شناخت های خود و همسر را دارند و از تأثیر آنها بر همسرشان نیز آگاهند، چنین افرادی در مهار و مدیریت هیجان ها و رفتارهای خود و همسرشان تواناترند و به این لحاظ احساس رضایت زناشویی بیشتری خواهند نمود (استتس، ۱۹۹۳). زمانی که دیدگاه فهمی خود بالاست، باعث می شود افراد شناخت بیشتری از خود و همسرشان پیدا کنند و نقاط قوت و ضعف رابطه را شناسایی نمایند و در جهت اصلاح نقاط ضعف و تقویت نقاط مثبت اقدام کنند؛ بنابراین واقعیت ها را بهتر می پذیرند و با آنها به طور صحیح تری سازش می یابند و قادرند بیاموزند چگونه منابعی را که برای کمک به همسران خود نیاز دارند، به دست آورند و به راه های ابراز احساس های خود به گونه ای مؤثرتر دست یابند. بنابراین دیدگاه فهمی، نشان دهنده حساسیت و درک شریک است. همسرانی که دیدگاه شریک را اتخاذ میکنند، اطلاعات بیشتری در مورد آنها دارند و در نتیجه میتوانند یک وضعیت را مورد ارزیابی قرار دهند و تغییرات ضروری را در رفتار داشته باشند؛ بنابراین این دانش میتواند برای تسهیل رضایت زناشویی به شیوه های مثبت استفاده شود. همانطور که استتس (۱۹۹۳) مشخص کرده است دیدگاه فهمی باعث ملاحظه ی بیشتر

تمایلات دیگری و در نتیجه همدلی بیشتر و رفتارهای خودمحور کمتر می شود. به نظر میرسد که دیدگاه فهمی ویژگی باشد که به طور مساوی برای افزایش تعاملات مثبت هم در روابط عاشقانه و هم در روابط غیرعاشقانه استفاده می شود. همچنین دیدگاه فهمی بیشتر با سطوح بالاتر گذشت و توانایی های حل مسئله مرتبط است (ریزکالا و همکاران، ۲۰۰۸). به هر حال زوج هایی که دیدگاه یکدیگر را درک می کنند به دلیل گذشت بیشتر احتمال دارد که تعاملات مثبت داشته باشند و بنابراین احتمال بیشتری وجود دارد که در روابط حمایت کننده باشند. پذیرفتن دیدگاه شریک، منجر به سنادی می شود که بیشتر موقعیتی بوده و کمتر شخصی است. این موضوع باعث می شود که موفقیت های همدیگر را به دلایل شخصی و شکست هایشان را به دلایل موقعیتی نسبت دهند. فرانزوی و همکاران (۱۹۸۵) در حمایت از این یافته ها بیان کردند که به دلیل مهارت های اجتماعی بهتر و سبک اجتماعی کمتر ناخوشایند، فردی که به دیدگاه فهمی اقدام می نماید؛ به طور کلی روابط بهتری را با دیگران تجربه می کند. به عکس، دیویس (۱۹۸۳) دریافت که دیدگاه فهمی پائین تر با اضطراب اجتماعی، غرور و خودبینی و سبک اجتماعی سهل انگارانه، مرتبط است. پیش‌بینی کننده ارزیابی از (ODPT) و همسر (SDPT) نتایج نشان داد که دیدگاه فهمی خود رابطه هستند. در خصوص تبیین این نتیجه میتوان به خلاصه ای از مهمترین ویژگی های دیدگاه فهمی که می تواند زمینه ی رضایت زناشویی را به وجود آورد، اشاره کرد: ملاحظه بیشتر تمایلات دیگری، در نتیجه همدلی بیشتر و رفتارهای خودمحور کمتر، اسنادهای موقعیتی و کمتر شخصی برای رفتارهای منفی همسر (استتس، ۱۹۹۳)، گذشت و حمایت گری (ریزکالا و همکاران، ۲۰۰۸)، تقویت الگوهای ارتباطی (مارتینی، گروس و برناردینی، ۲۰۰۱)، اضطراب اجتماعی، غرور و خودبینی کمتر (دیویس، ۱۹۸۳) که می توانند زمینه ثبات زناشویی را به وجود آورند.

فرضیه ۸- بین مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل رابطه ی چندگانه وجود دارد.

طبق اطلاعات مندرج در جدول (۳) می توان گفت، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی مؤلفه های راهبردهای حفظ رابطه، دیدگاه فهمی خود و همسر با ثبات زناشویی زنان شاغل برابر با  $MR=0/785$  است که در سطح  $p=0/001$  معنی دار است. بنابراین تقریباً ۶۲٪ واریانس مربوط به ثبات زناشویی زنان شاغل به وسیله ی متغیرهای پیش‌بین تبیین می شود. ضریب بتا مربوط به هر کدام از متغیرهای پیش‌بین و معنی داری آنها نیز قابل مشاهده است. هم چنین طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش گام به گام، از میان متغیرهای پیش‌بین، کارکرد تعهدات (حفظ رابطه)، کارکرد وظایف (حفظ رابطه)، کارکرد مثبت بودن (حفظ رابطه) و کارکرد شبکه روابط (حفظ رابطه) بهترین پیش‌بینی کننده ی ثبات زناشویی زنان شاغل هستند. ضریب همبستگی چندگانه برای این چهار متغیر پیش‌بین برابر با  $MR=0/777$  و  $RS=0/603$  می باشد که در سطح  $P>0/001$  معنی دار است. بنابراین فرضیه ی ۸ پژوهش تأیید می گردد.

مطالعات و نتایج بالینی نشان داده اند که در جامعه معاصر، زوج ها مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای انتظارات و نیازهای یکدیگر را تجربه می کنند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارت سالم اولیه به داشتن نگرش های منطقی و کسب مهارت ها و انجام وظایف خاصی نیاز دارد (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲). استراتژی هایی که به منظور حفظ و بهبود رابطه، به کار گرفته می شوند؛ شامل ادامه تحصیل، تلاش برای بهبود باورهای غیر منطقی، مراجعه به مشاور، انطباق، خودگشودگی و روابط جایگزین است. بی تفاوتی به رابطه در قالب واکنش هایی؛ چون تسلیم در برابر شرایط حاکم و تقدیرگرایی، باور به تغییرناپذیری همسران، معنویت گرایی، ادامه تحصیل، ایجاد ارتباطات جدید، روابط خارج از چارچوب خانواده ظاهر شده است. برخی از این استراتژی ها اگرچه نسبت به رابطه زناشویی بی تفاوت هستند؛ اما به بازایی خویشتن و بهبود زندگی شخصی فرد کمک میکند. ادامه تحصیل، ایجاد ارتباطات جدید از این دسته استراتژی ها هستند.

## فهرست منابع

۱. اولیاء، نرگس؛ فاتحی زاده، مریم؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش برنامه غنی سازی بر افزایش رضایتمندی زناشویی زوج ها. بهار و تابستان ۱۳۸۷ - شماره ۱۳ و ۱۴ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) (22/ ISC صفحه - از ۹ تا ۳۰).
۲. خجسته مهر، رضا؛ سبحانی جو، شمس علی و رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۲). اثر مستقیم و غیرمستقیم دیدگاه، فهمی بر کیفیت زناشویی: آزمون یک مدل میانجی. فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی، ۸(۳۲)، ۱۵۱-۱۲۹.
۳. سانتراک، جان دبلیو. (بی تا). آیا من باید ازدواج کنم؟ ترجمه-ی مهرداد فیروز بخت (۱۳۸۴). تهران: انتشارات رسا.
۴. سبحانی جو، شمسعلی (۱۳۹۰). بررسی اثر مستقیم و غیر مستقیم دیدگاه فهمی بر کیفیت زناشویی معلمان متأهل شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۵. کرابی، امین (۱۳۸۷). بررسی مدل پیشنهادی برخی پیشایندها و پیامدهای گذشت. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۶. نورانی پور، رحمت اله؛ بشارت، محمدعلی؛ یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی. پژوهش های مشاوره (تازه ها و پژوهش های مشاوره): زمستان ۱۳۸۶، دوره ۶، شماره ۲۴.
۷. یاری پور، علی. (۱۳۷۹). بررسی تاثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن
8. Canary, D. J., & Stafford, L. (1992). Relational maintenance strategies and equity in marriage. *Communication Monographs*, 59, 243-267.
9. Davis, M.H, (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach, *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(1), 113-126.
10. Davis, M. H. & Oathout, H. A., (1987). Maintenance of satisfaction in romantic relationships: Empathy and relational competence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 397-410.
11. Dindia, K., & Canary, D. J. (1993). Relational maintenance. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 163-173.
12. Dymond, R.F. (1949). A scale for the measurement of empathic ability: *Journal of Consulting Psychology*, 13, 127-133
13. Fincham, F. D., & Beach, S. R. H, (1999), Conflict in marriage: Implications for working with couples, *Annual Review of Psychology*, 50, 47-77.
14. Goodman, A., and E. Greaves (2010), *Cohabitation, Marriage and Child Outcomes*, Commentary 114, London: Institute for Fiscal Studies.
15. Kellas, J. K., Carr, K., Horstman, H. K., & Dilillo, D. (2017). The Communicated Perspective-Taking Rating System and links to wellbeing in marital conflict. *Personal Relationships*, 24(1), 185-202.
16. Kang, T. and Jaswal, S. (2009). Marital Stability as a Correlate of Parenting. *Studies on Home and Community Science*, 3(1), 39-42.
17. Long, E. C. J., & Andrews, D. W. (1990). Perspective taking as a predictor of marital adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
18. Lorentz, D. C. (2008). *Gender Role Attitudes as a Predictor of Relational Maintenance: A Relationship to Quality of Married Life*. MA thesis submitted to the

Department of Communication and Journalism and the Graduate School of The University of Wyoming.

19. Lenthall, G. (1977). Marital satisfaction and marital stability. *Journal of Marriage and Family Counseling*, 25-32.
20. Long, E. C. J., & Andrews, D. W. (1990). Perspective taking as a predictor of marital adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 126-131.
21. Martini, T.S., Grusec, J. E., & Bernardini, S. C. (2001). Effect of interpersonal control, perspective taking, and attributions on older mothers and adult daughters satisfaction with their helping relationship. *Journal of Family psychology*, 15, 688-705
22. Orathinkal, J., & Vansteenwegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28(4), 497-504.
23. Rizkalla, L., Wertheim, E. H., & Hodgson, L. K. (2008). The roles of emotion management and perspective taking in individuals' conflict management styles and disposition to forgive. *Journal of Research in Personality*, 42 (6), 1594-1601.
24. Stets, J. E. (1993). The link between past and present intimate relationships. *Journal of Family Issues*, 14 (2), 236-260.
25. Stanley, S. M. (2003), *The power of commitment: A guide to active, lifelong love*. San Francisco: Jossey-Bass, Inc.
26. Waring, E. M. (2013). *Enhancing Marital Intimacy through Facilitating Cognitive Self Disclosure*. Routledge.
27. Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (2008). Relational maintenance, satisfaction, and commitment in marriages: An actor-partner analysis. *Journal of Family Communication*, 8(3), 212-229.
28. Zabriskie, R. B., & McCormick, B. P. (2001). The influences of family leisure patterns on perceptions of family functioning. *Family Relations*, 50, 281 - 289.